

Research Article

Comparative Study of Sohrab Sepehri and Mary Oliver's Poems from the Perspective of Naturalism

Fatemeh Saeedi^{1*}, Leila Hashemian²

Abstract

Sepehri and Oliver are two poets who have created valuable poems and have had a tremendous impact on the poetry of their country. Despite their cultural and linguistic differences, these two poets have sought perfection and human truth in their works, and due to their shared life experiences, they have created poems with relatively similar themes. Therefore, the present study has examined naturalism in their poems in a comparative manner and has been conducted in four parts: poetic form, semantic themes, semiotics, and arrangements in a descriptive-analytical manner. Apart from poetic form, attention to nature is evident in three other parts of the commonality between these two poets. Sepehri considers nature to be a living being and invites all humans to return to it. On the other hand, Oliver's poems are mostly written about nature and inspired by it. The results obtained among the components show a higher percentage of commonality in the semantic themes component in Oliver's poetry than in Sepehri's.

Keywords: Comparative Literature, Sohrab Sepehri, Naturalism, Mary Oliver

How to Cite: Saeedi F, Hashemian L., Comparative Study of Sohrab Sepehri and Mary Oliver's Poems from the Perspective of Naturalism, Quarterly Journal of Comparative Literature Studies, 2025;18(72):217-242.

1. Student of Persian Language and Literature, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

2. Associate Professor of Persian Language and Literature, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

بررسی تطبیقی اشعار سهراب سپهری و مری اولیور از منظر طبیعت‌گرایی

فاطمه سعیدی^۱، لیلا هاشمیان^۲

چکیده

سپهری و اولیور دو شاعری هستند که اشعار ارزشمندی را آفریده‌اند و تأثیر شگرفی بر شعر سرزمین خود گذاشته‌اند. این دو شاعر با تفاوت فرهنگ و زبان، در آثارشان به دنبال کمال و حقیقت انسانی بوده‌اند و به دلیل تجربه‌های زیستی مشترک، اشعاری با درون‌مایه نسبتاً مشابه خلق کرده‌اند. از همین رو پژوهش حاضر طبیعت‌گرایی را در اشعار آنها به شیوه‌ای تطبیقی بررسی کرده است و در چهاربخش صورت شعر، مضامین معنایی، نشانه‌شناسی و آرایه‌ها به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی انجام شده است. به جز صورت شعر، توجه به طبیعت در سه بخش دیگر از اشتراکات این دو شاعر نمایان است. سپهری طبیعت را موجود زنده‌ای می‌داند و همه انسان‌ها را به بازگشت به آن دعوت می‌کند. از طرف دیگر اشعار اولیور نیز اکثراً در رابطه با طبیعت و الهام از آن سروده شده است. نتایج به دست آمده در بین مؤلفه‌ها، درصد بیشتر اشتراکات را در مؤلفه مضامین معنایی در شعر اولیور را نسبت به سپهری نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، سهراب سپهری، طبیعت‌گرایی، مری اولیور

۱. دانشجوی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

نویسنده مسئول: فاطمه سعیدی

ایمیل: neginsaeedi1@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

از جمله مباحث ادبیات تطبیقی بررسی میزان نفوذ عناصر و مفاهیم ادبی از شعر یک شاعر به شاعری دیگر است. آنچه ما را به دنیای درونی یک هنرمند رهنمون می‌سازد، نشانه‌های زبانی و تصویر ویژه‌ای است که در آثارشان متجلی است و البته هر چه این نشانه‌ها فردی‌تر باشد، کشف رمز و راز آن‌ها نیز دشوارتر خواهد بود. اصولاً شاعران و هنرمندان درون‌گرا، دیرپاب‌تر بوده و آشنایی با ژرفای اندیشه ایشان مستلزم تعمق بیشتری است (اکبری بیرق، ۱۳۸۸: ۶). در بررسی‌های ادبیات تطبیقی بیش از هر چیزی می‌توان به نقاط شباهت و وحدت اندیشه بشری پی برد که چگونه اندیشه‌ای در منطقه‌ای از جهان توسط اندیشمند یا شاعری مطرح می‌شود و در منطقه‌ای دیگر همان اندیشه به‌گونه‌ای دیگر مجال بروز می‌یابد.

در واکنش به مکتب فرانسوی، محققان آمریکایی پس از جنگ جهانی دوم، مکتبی به‌نام مکتب «آمریکایی» بنیان نهادند که روش آن، نقد مستقیم و بیواسطه ادبیات، بدون تکیه بر آثار ادبی خاص و پس‌زمینه تاریخی آنها - برخلاف مکتب فرانسوی - بود. اهداف - ۲ در راستای همکاری‌های میان‌مللی - داشت این مکتب، نزدیکی بیشتری با تفکرات گوته و سعی آن، رسیدن به «حقایق» انسانی برپایه معماری ادبی متجلی در ادبیات انسانها در هر زمان و هر مکان بود. (شرکت مقدم، ۱۳۸۸: ۱۲)

مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی، با انتقاد گران غربی و بویژه آمریکایی به مکتب فرانسوی و مفاهیم تأثیرگذاری و اثرپذیری آن، شکل گرفت. این مکتب، ادبیات تطبیقی را مستقل از مفهوم مقایسه ادبیات دو یا چند کشور میداند و به مطالعه ادبیات، به عنوان یک کلیت، همچنین معتقد است. ادبیات تطبیقی با اشاره به سهم هر ملتی در ادبیات جهان ه مفهوم، ب ادبیات جهانی «مطرح‌شده توسط گوته (Goethe) (و نیز نقد ادبی نزدیک شد. (طاهری، طهماسبی، ۱۳۹۶: ۵)

سهراب سپهری و مری اولیور^۱، دو شاعر طبیعت‌گرا هستند که اشتراکات صوری و معنایی در آثار این دو شاعر به چشم می‌خورد. با بررسی بخش‌های مشترک اشعار این دو، می‌توان پی برد که طبیعت‌گرایی از مضامین مشترک در آثارشان به شمار می‌رود و این شباهت تا بدان جایی است که بررسی تطبیقی اشعار این دو را میسر می‌سازد. سپهری و اولیور، هر دو با دوری جستن از فضای شهر، برای آرام ساختن روح خود به طبیعت پناه برده‌اند. آنچه در شعر هر دو شاعر ملموس است، دوری جستن هر دو از جامعه، حوادث و رخدادهای اجتماعی و سیاسی آن است که سبب شده تا هریک تأثیری ژرف بر شعر سرزمین خود بگذارند. آن‌ها با فاصله گرفتن از دنیای مدرن، در تکاپوی ساخت دنیایی در ژرفای طبیعت هستند.

با توجه به رواج پژوهش‌های تطبیقی، بر آن شدیم تا از منظر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی، به بررسی اشعار دو شاعر بزرگ، یعنی سهراب سپهری و مری اولیور بپردازیم. هدف اصلی مقاله حاضر بررسی تطبیقی، شعر و اندیشه و زمینه و زمانه دو شاعر بلندآوازه از دو فرهنگ و تمدن مختلف یعنی سهراب سپهری و مری اولیور است. برای رسیدن به این هدف، نگارندگان در پی یافتن پاسخ‌هایی برای پرسش‌های زیر هستند:

- چه ویژگی‌هایی مشترکی در اشعار این دو شاعر وجود دارد؟
- آیا مضامین مشترک معنایی میان اشعار اولیور و سپهری وجود دارد؟
- آیا نگاه ویژه به طبیعت و عناصر آن در اشعار اولیور و سپهری، نقشی در محبوبیت اشعار این دو شاعر معروف داشته است؟
- طبیعت و عناصر مربوط به آن تا چه اندازه در اشعار این دو شاعر برجسته است؟

پیشینه پژوهش

با بررسی آثار صورت‌گرفته در حوزه اشعار سهراب سپهری، می‌توان آن‌ها را در دو دسته قرار داد. در دسته نخست آثاری که تنها به این اشعار پرداخته و مقایسه‌ای صورت نگرفته است. از جمله این مقالات و کتاب‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

عابدی (۱۳۹۳) در خصوص زندگی و شعر سهراب سپهری کتابی نوشته است. از آثار دیگر با نگاه به اشعار سهراب سپهری، می‌توان رهنما (۱۳۳۹)، امامی (۱۳۶۵)، مسکوب (۱۳۸۷) و شمیسا (۱۴۰۱) را نام برد. در این میان، امامی علاوه بر اشعار، به نقاشی‌های سهراب نیز پرداخته است؛ نجفی پور و سعادت‌فرد (۱۳۹۹) را نیز می‌توان نام برد که در کنار اشعار، نقاشی‌های سهراب سپهری را نیز بررسی کرده‌اند. در بین آثار پیرامون اشعار سپهری، عده‌ای از نویسندگان و پژوهشگران، مضمونی خاص را نیز در این اشعار بررسی کرده‌اند؛ بابالو (۱۳۹۹) را نام برد که اندیشه مرگ از دیدگاه سپهری پرداخته است. آثار بسیار دیگری نیز اشعار سهراب سپهری را مورد مطالعه قرار داده‌اند که در این پژوهش نمی‌گنجد؛ از جمله شایگان (۱۳۹۸)، مروتی (۱۳۹۹)، مظفری معارف (۱۳۹۹) و بهرامی (۱۴۰۱) و را می‌توان نام برد. از میان این آثار، شایگان (۱۳۹۸) و بهرامی (۱۴۰۱) اشعار سهراب سپهری را به فرانسوی ترجمه کرده‌اند.

از آنجایی که پژوهش حاضر، شیوه‌ای مقایسه‌ای دارد، دسته دوم آثار را معرفی خواهیم کرد که رویکردی مقایسه‌ای به اشعار سهراب سپهری داشته‌اند. رویکردهای مقایسه‌ای در حوزه ادبیات تطبیقی بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است. در بسیاری از پژوهش‌ها می‌توان مقایسه آثار نویسندگان و شاعران بزرگ ایران و جهان را دریافت که نشان از اهمیت این موضوع دارد که نگارندگان این پژوهش نیز به آن توجه داشته‌اند (هاشمیان و اتونی، ۱۳۸۸؛ هاشمیان و بهرامی‌پور،

۱۳۸۸). این پژوهش‌ها را نیز می‌توان در دو گروه بررسی کرد، گروهی که اشعار سهراب سپهری را با سایر شعرای ایرانی مقایسه کرده‌اند و گروهی که به مقایسه این اشعار با آثار شاعران غیرایرانی پرداخته‌اند.

اسماعیلی (۱۳۹۹) نور و ظلمت را از دیدگاه سهراب سپهری و نیما یوشیج بررسی کرده است. بهلولی (۱۴۰۰) نیز تصویرسازی از طبیعت را از دیدگاه سهراب سپهری و منوچهری دامغانی مورد مطالعه قرار داده است. علاوه بر آن، لطفی (۱۳۹۹) و فیض‌اللهی (۱۳۹۴) جهان‌وطنی در شعر معاصر فارسی را از دیدگاه سپهری و سایر شاعران از جمله فرخزاد، شاملو، مشیری و غیره را مورد بررسی قرار داده‌اند.

اما در حیطه بررسی تطبیقی اشعار او با شاعران غیرایرانی کمتر پژوهش مدونی صورت گرفته است، از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

مالمیر و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تطبیقی استعاره‌های مشترک سهراب سپهری و تی. اس. الیوت پرداخته‌اند. حیدریان شهری (۱۳۹۱) نیز «شهرگرزی» و «بدوی‌گرایی» در شعر سهراب سپهری و عبدالمعطی حجازی را مورد مطالعه قرار داده است. طاهری و طهماسبی (۱۳۹۸) اشعار سهراب سپهری و سن ژون پرس را با رویکردی تطبیقی و نگاهی به عرفان شرق دور بررسی کرده‌اند.

در خصوص بررسی اشعار مری اولیور نیز تا به حال پژوهش‌های زیادی در ایران صورت نگرفته است. آثاری از جمله بذرگزاده و همکاران (۱۴۰۰)، بذرگزاده و همکاران (۱۴۰۱) و خسروی (۱۳۹۱) را می‌توان نام برد؛ اثر آخر ترجمه اشعار این شاعر است. اما در زبان انگلیسی، مقالات و پژوهش‌های بسیاری در خصوص این شاعر صورت گرفته است که در ذیل به معرفی تعدادی از این پژوهش‌های مرتبط با موضع مقاله ی حاضر، می‌پردازیم.

مری اولیور و سنت شعر رمانتیک طبیعت^۱ نوشته ی جنت مک نیو^۲ (۱۹۸۹) که در این مقاله به بررسی طبیعت‌گرایی در شعر اولیور پرداخته شده و با آوردن شاهد مثال‌هایی از اشعار او، به تبیین هرچه بهتر موضوع پرداخته شده است. نویسنده در نهایت بیان می‌کند، هدف شعر اولیور، فراتر از واژگان است زیرا میل شدیدی دارد تا ورا ی ساختارها و فرهنگی که ما را از خویشتن خویش دور می‌کند، سخن بگوید.

اکولوژی و چشم انداز: تفکر به عنوان تمرین محیطی^۳ نوشته ی متیو اگمایر^۴ (۲۰۱۴) در این مقاله به بررسی اشعار مری اولیور و دو نویسنده ی دیگر از منظر تفکرات زیست محیطی می‌پردازد و بیان می‌

1 Mary Oliver and the Tradition of Romantic Nature Poetry

2 Janet McNew

3 Ecology and Vision: Contemplation as Environmental Practice

4 Matthew T. Eggemeier

کند گرچه این سه نویسنده و شاعر، مسیر متفاوتی برای بیان عقاید و دیدگاه هایشان دارند اما آنچه میان هر سه مشترک است، توجه به طبیعت است که عملی متفکرانه و نیز عارفانه تالقی شده و به انسان مدرن بینشی عمیق می بخشد.

در میان آثار مرتبط با سهراب سپهری و مری اولیور، این دو شاعر بزرگ با یکدیگر، تا به حال پژوهشی تطبیقی و مدون در ایران صورت نگرفته است؛ بنابراین بر آن شدیم تا در این پژوهش به بررسی مضامین مشترک اشعار مری اولیور و سهراب سپهری از منظر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی بپردازیم.

روش تحقیق

در این پژوهش، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به روش توصیفی-تحلیلی، اشعار سهراب سپهری و مری اولیور از منظر مؤلفه‌های مشترک، بررسی و تجزیه و تحلیل شده است. به منظور بررسی تطبیقی اشعار این دو شاعر بر شباهت‌های مضمونی، صوری و آرایه اشعارشان تکیه کردیم و بین ویژگی‌های مشترکشان مقایسه‌ای بر مبنای مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی، صورت گرفت.

برای انجام پژوهش از منابع کتابخانه‌ای زیر بهره گرفته شده است:

- سهراب سپهری: مجموعه سروده‌ها
- مری اولیور: سه کتاب برای این شاعر در نظر گرفته شده است:

(۱) New and selected poems

(۲) House of light

(۳) The Leaf and the Cloud

سهراب سپهری و مری اولیور

مری اولیور

مری اولیور شاعر طبیعت‌گرای آمریکایی در سپتامبر ۱۹۳۵ در محله‌ای نیمه روستایی از کلیولند^۱ در ایالت اوهایو^۲ به دنیا آمد. پدرش ادوارد ویلیامز معلم مطالعات اجتماعی و مربی ورزش در مدارس عمومی کلیولند بود. اگر چه تحصیلات اولیور در دانشگاه ناتمام ماند و موفق به اخذ مدرک رسمی از هیچ دانشگاهی نشد؛ اما از طرف چند دانشگاه معتبر به تدریس دعوت شد. او اولین مجموعه خود را با نام بدون سفر و اشعار دیگر در سال ۱۹۶۳ منتشر کرد. تاکنون از او آثاری چون: مجموعه اشعار جدید و برگزیده (۱۹۹۲)، خانه نور (۱۹۹۰)، کار رویا (۱۹۸۶)، آمریکایی بدوی (۱۹۸۳)، دوازده ماه (۱۹۷۹)، خواب در جنگل (۱۹۷۸)، مسافر شب (۱۹۷۸)، به چاپ رسیده است. او برنده جایزه ملی

1. Cleveland

2. Ohio

کتاب در سال ۱۹۹۲ به خاطر شعر است و مجموعه «آمریکایی بدوی» در سال ۱۹۸۴، جایزه «پولیتزر»^۱ شعر را برای او به ارمغان آورد. (مک دانلد^۲، ۱۳۸۹: ۱۸)

اولیور همچنین، جوایز ادبی دیگری چون «جایزه ادبی لنین»^۳ ۱۹۹۸ و جایزه «یادبود شلی»^۴ را از آن خود کرده است. اولین کتاب مستقلی که از او در ایران ترجمه و چاپ شده است، کتاب «خواب در جنگل» با ترجمه «شهناز خسروی» است.

مری اولیور که نیویورکر^۵ او را «محبوب‌ترین شاعر آمریکا» نامید، نگاه انسانی و عمیقی به عناصر طبیعت و زندگی داشته که باعث تمایز اشعارش از دیگر شاعران هم‌عصرش شده است. عناصری که هرچند ممکن است پیش‌پاافتاده به نظر برسند؛ اما مفاهیم عمیق و زیبایی را به خواننده منتقل می‌کنند.

او علی‌رغم محبوبیتش، بسیار گوشه‌گیر بود و در طول حیاتش، مصاحبه‌های اندکی انجام داد، او ترجیح می‌داد به جای زندگی شخصی، شعرش در کانون توجه قرار بگیرد. (مک دانلد، ۱۳۸۹: ۱۸)

زونا^۶ (۲۰۱۱)، در خصوص مری اولیور و شعر او معتقد است، نوشتن برای مری اولیور، امری است حیاتی و او از این رهگذر به ارتباط بهتر با جهان اطراف خود و طبیعت پرداخته و حفره میان خود (جاندار)، غیرجاندار و نیز طبیعت را به حداقل می‌رساند. شاید اشعار و آثار اولیور، در ظاهر، آمیخته به نوعی جاه‌طلبی باشد؛ اما این حس به کنجکاو و ماجراجویی او بازمی‌گردد که همواره درصدد بود تا دنیا و مافی‌ها را بهتر بشناسد و در آثارش به آن بپردازد. (زونا، ۱۳۹۰: ۱۲۳)

مسیری که مری اولیور برای سرایش شعرهای خود برگزیده، توجه به زمین و محیط پیرامونش به مثابه یک خانه مقدس بوده که برای وی، این مسیر، پنجره ایست روبه شادی و این نوع از شادی، احساسی است که او حدود پنجاه سال از عمر هنری خود را به آن اختصاص داده است. (دیویس، ۲۰۰۹: ۱)

نوشتن و اندیشیدن به سبک مری اولیور، به‌عنوان شاعری با ذهن باز و دارای آگاهی، بسیار دشوار است؛ زیرا این تجربه ریشه در تلاش فردی و تجربه‌ای حقیقی دارد که به ظرفیت وجودی شخص بازمی‌گردد و بستر شفقت و دلسوزی نسبت به جهان و مافی‌ها را تشکیل می‌دهد؛ یعنی توانایی فرد برای دوست‌داشتن و عشق‌ورزیدن به دنیا.

1. Pulitzer
2. Macdonald
3. Lenin
4. Shelley Memorial Award
5. The New Yorker
6. Zona

سهراب سپهری

سهراب سپهری، شاعر و نقاش معاصر، در ۱۵ مهر ۱۳۰۷ (ش.ه) در خانواده‌ای هنرمند و فرهیخته به دنیا آمد. دوران کودکی را در کاشان گذراند. از همان آغاز خط و نقاشی ای نیکو داشت. اما سرودن شعر را به طور جدی، از دوره دبیرستان آغاز کرد. پس از پایان تحصیل، چندی در مناصب شغلی گوناگون به کار مشغول شد، اما در سال ۱۳۴۰ از کلیه مشاغل رسمی و دولتی کناره‌گیری کرد و در خلال سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ بیشتر اوقات خود را به انجام کارهای ادبی و هنری از جمله؛ شرکت در نمایشگاه‌های داخل و خارج اختصاص داد. (قائمی، ۱۳۸۶: ۱۳)

سهراب سپهری، شاعر و نقاش سرشناس و خوش‌فریحة ایرانی که در زمینه شعر نو، صاحب سبک بود و راهی نو را در شعر معاصر ادبیات کشور خویش گشود، عمیقاً باور دارد که راه نجات آدمی از درون او می‌آغازد. دنیای شاعرانه سهراب، سیری پویا و پیوسته دارد. این دیدگاه عرفانی او با دفتر شعر «آوار آفتاب» آغاز شد و با دفتر «ما هیچ ما نگاه» به پایان رسید. اگرچه بسیاری معتقدند که دفتر «حجم سبز» سهراب، نقطه عطف آثارش است، دفتری که با اقبال عمومی و محبوبیت در بین محققان ادبی معاصر قرار گرفت؛ البته از دیگر سو، انتقادات فراوانی به سهراب و اشعارش وارد شد. منتقدین بسیاری چون رضا براهنی، عبدالله دستغیب و شمس لنگرودی، بر آن بودند تا نقدی بر این دفتر شعر به رشته تحریر درآورند. این‌گونه به نظر می‌رسد که هدف شاعر از سرودن این دفتر، خارج‌شدن از چرخه تأثیرگذار شاعران کلاسیک و میل ذاتی به سبک شعر نو نیمایی است. سهراب سپهری با زیر پا گذاشتن قالب شعر کلاسیک ایران و سرایش شعر به شیوه‌ای نوین با مخاطبین شعر خود ارتباط برقرار نمود و با ساخت نمادهایی نو در شعر، به بیان دیدگاه‌های خود پرداخت. بی شک شاعر جهان‌دیده‌ای چون سهراب، چشمان تیزبینش را تنها به روی خوبی‌ها نمی‌گشاید، بلکه هنرمندانه نیکی و بدی را در تاروپود بوم‌رنگ باورهایش نقش می‌زند. (شالیوا، ۱۳۹۸: ۲)

اشتراکات شعر سهراب سپهری و مری اولیور

اشتراکات شعر این دو شاعر را می‌توان در چهار گروه طبقه‌بندی کرد:

- صورت شعر
- مضامین معنایی
- نشانه‌شناسی (نماد)
- آرایه‌ها

صورت شعر

آغاز جریان شعر نو در ایران، مصادف شد با نقدهای کوبنده مخالفان و طرفداران شعر کلاسیک، سنت‌گرایان این نوع شعر را در آغاز، بی‌نظم قلمداد می‌کردند؛ اما نیما معتقد بود: «من برای این بی‌نظمی هم به نظمی اعتقاد دارم. هر کلمه من از روی قاعده‌ای دقیق به کلمه دیگر می‌چسبد. شعر آزاد سرودن برای من دشوارتر از غیر آن است.» (رهنما، ۱۳۳۹: ۱۹). سهراب سپهری یکی از پیروان نیما یوشیج است و در غالب اشعار نیمایی خود، هارمونی وزنی را که نیما به آن اعتقاد داشت، حفظ کرده است. شعرهای سهراب سپهری با طول متفاوت ابیات، تقریباً به حوزه عروض نیمایی نزدیک است. به‌رغم اقدامات سپهری در زمینه خروج از موازین عروض نیمایی، تفاوت شعر او در شیوه نوشتن مصراع‌هاست و نه در ایجاد یا توسع وزن (طاهری و طهماسبی، ۱۳۹۶: ۴).

«آب را گل نکنیم / شاید این آب روان / می‌رود پای سپیداری / تا فروشوید / اندوه دلی / دست درویشی شاید / نان خشکیده فروبرده در آب» (سپهری، ۱۳۸۹: ۲۷۰)

شعر مری اولیور هم با ظاهر غیرمنظم طول ابیات، به شعر آزاد آمریکایی نزدیک است:
 «تو مجبور نیستی انسان خوب باشی / تو مجبور نیستی / فرسنگ‌ها در بیابان / با پشیمانی
 گام‌برداری / تو فقط باید / به غریزه درون خود اجازه دهی / هر آنچه را دوست می‌دارد / تا دوست بدارد.
 / با من از ناامیدی‌هایت سخن بگو / تا من هم / از ناامیدی‌های خویش با تو سخن بگویم»^۱

Wild geese

You do not have to be good

You do not have to walk on your knees

For a hundred miles through the desert, repenting.

You only have to let the soft animal of your body

Love what it loves.

Tell me about despair, yours, and I will tell you mine. (Oliver, 1986: 23)

مضامین معنایی

در بخش مضامین معنایی موارد زیر جای می‌گیرند:

۱. ترجمه اشعار الیور، ترجمه نگارندگان است.

نگرش احترام‌آمیز به طبیعت

سهراب، رفتاری محترمانه با همه موجودات دارد، چرا که به خوبی آموخته است که همه موجودات همچون حلقه‌های زنجیر به هم وابسته‌اند، از این رو احترام به هر موجودی، احترام به بخشی از زنجیره حیات و در نهایت احترام به خود ما است، همان‌طور که از بین بردن آن می‌تواند در نهایت به نابودی خود ما بینجامد:

«شاعری دیدم هنگام خطاب به گل سوسن می‌گفت شما» (سپهری، ۱۳۸۹: ۲۲۱)

«می‌دانم، سبزه‌ای را بکنم، خواهد مرد» (سپهری، ۱۳۸۹: ۲۶۴)

«یاد من باشد کاری نکنم که به قانون زمین برخورد» (سپهری، ۱۳۸۹: ۲۷۶)

سهراب نگران است که مبدا انسان نادانسته قانون زمین را برهم بزند. حال باید پرسید این قانون چیست. تائویسم^۱ به این پرسش پاسخ می‌دهد: «تائو» در اصل «راه طبیعت» است، راه یا جریانی که بر تمامی هستی مستولی است و همه کائنات در مسیر آن حرکت می‌کنند. (پارساپور و فتوحی، ۱۳۹۲: ۸)

مری اولیور نیز، در اشعار خود دیدگاهی چون سهراب سپهری دارد، همراه با عشق و احترام: «برگ‌ها را لمس می‌کنم / و حرکت پروانه‌های زرد را دنبال می‌کنم / که به سان چشمک ستاره‌ها / بالای چمن‌زار می‌گذرند / و در همین حین با خود می‌اندیشم / شاید کارکردن واقعی / همین است / دیدن و گوش سپردن / شاید جهان / بدون دخالت و حضور ما / خود شعر باشد»

I am touching a few leaves.

I am noticing the way the yellow butterflies

move together, in a twinkling cloud, over the field.

And I am thinking : maybe just looking and listening

is the real work.

Maybe the world, without us,

is the real poem. (Oliver, 2007 : 230)

«فرصت خواهم داشت / تا اندیشه و زمانم را / به معاشرت با رودخانه‌ها / پرندگان صرف کنم»

I would have time, I thought, and time to spare,

With only streams and birds for company (oliver, 2007 : 247)

شهرگریزی

دوران معاصر با ظهور و فرونی یافتن مظاهر مدنیت و شهرنشینی جدید، دگرگونی بنیادهای تولید، گسترش و دگرگونی روزافزون دانش، هنر، ادبیات، فلسفه و... و همچنین با شعله‌ور گشتن آتش جنگ‌های خانمان‌برانداز در سراسر جهان هم زمان شده است؛ از این رو سروده‌های بیشتر شاعران معاصر، در سراسر جهان، به گونه‌ای روایت درد، رنج و ناتوانی انسان امروز از رویارویی با حقیقت دگرگون-گشته طبیعت، زندگی و هم‌نوعان خویش است. این اظهار اندوه دارای نموده‌های آشکاری است که عبارت‌اند از: نابودی مناظر طبیعی، آرایش پاکی و سادگی نخستین، احساس غربت، تنهایی، سکون و سکوت انسان در شهر (حیدریان شهری، ۱۳۹۱: ۵).

سهراب سپهری و مری اولیور، هر دو، در عصر پرهیاهوی پس از انقلاب صنعتی و خشونتِ پس از آن، رشد کردند و به نماد بشر سرخورده از شهر، شهرنشینی و خشونت تبدیل شدند و از تقابل دنیای مدرن و سنتی سخن گفتند.

شهر در سروده‌های سهراب سپهری، سیمایی ملال‌آور و بی‌روح و تهی از ارزش‌های مانای بشری دارد، چنان‌که وی در شعر زیبایی «ندای آغاز» به صراحت، انزجار خویش را از زندگی در شهر، شهری که مردمش حرفی از جنس زمان نمی‌زنند، شهری که در آن هیچ چشمی، عاشقانه به زمین خیره نیست و کسی در آن از دیدن یک باغچه مجذوب نمی‌شود، ابراز می‌دارد؛ این سروده ترسیم‌کننده نفرت شاعر از انسانی است که مدنیت و تمدن جدید، حقیقت بی‌آلایش روح و نوع نگرش او به هستی را دگرگون ساخته تا بدان‌جا که آدمی مناظر و چشم‌اندازهای طبیعت این بستر و رویشگاه دیرین آفرینش و کائنات را از بین برده است و اشتیاق برخاسته از دیدن سبزینه باغچه و زاغچه سر مزرعه را به دست فراموشی سپرده است و نگاه او به مادر زمین، نه نگاهی عاشقانه که نگاهی است حسابگرانه و مادی (حیدریان شهری، ۱۳۹۱: ۵).

«مادرم در خواب است / و منوچهر و پروانه، و شاید همه مردم شهر / بوی هجرت می‌آید / بالش من پر آواز پر چلچله‌هاست / صبح خواهد شد / و به این کاسه آب / آسمان هجرت خواهد کرد / باید امشب بروم / من که از بازترین پنجره با مردم این ناحیه صحبت کردم / حرفی از جنس زمان نشنیدم / کسی از دیدن یک باغچه مجذوب نشد / هیچ‌کس زاغچه‌ای را سر یک مزرعه جدی نگرفت» (سپهری، ۱۳۸۹: ۳۰۴)

سهراب سپهری از جمله شاعرانی است که باوجود سفرهای فراوانی که به کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته داشته و با فرهنگ‌های مدرن آشنا بوده است؛ اما آنچه از شعرهایش استنباط می‌شود نشانگر آن است که سهراب بیش از آن که به مدرنیته اهمیت دهد، به عقاید و تفکرات سنتی پایبند است.

به همین خاطر هرگاه از شهر و لوازم زندگی شهری و مدرن سخن می‌گویند آن را تاریک و سیاه و گرفته توصیف می‌کند.

«سفر پر از سیلان بود / و از تلاطم صنعت تمام سطح سفر / گرفته بود و سیاه / و بوی روغن می‌داد»
(سپهری، ۱۳۸۹: ۲۵۰)

همین نگرش در اشعار اولیور نیز نمایان است:

«در من چیزی وجود دارد که به درخت‌ها می‌اندیشد / به خانه‌ای غرق در آرامش / خانه‌ای در حجمی سبز و کوچک / راهی کوتاه به دور از هیاهوی شهر / راهی کوتاه به دور از کارخانه‌ها، مدرسه‌ها، گریه و زاری / فرصت خواهم داشت / اندیشه و زمانم را / صرف گذراندن با رودخانه‌ها / و معاشرت با پرندگان کنم / برای ساختن بندهایی بی‌قیدوبند و آزاد / خارج از زندگی ام / و سپس به ذهنم رسید که مرگ این گونه بود / راهی کوتاه دور از همه‌جا»

There is a thing in me that dreamed of trees,
A quiet house, some green and modest acres
A little way from every troubling town,
A little way from factories, schools, laments.
I would have time, I thought, and time to spare,
With only streams and birds for company,
To build out of my life a few wild stanzas.
And then it came to me, that so was death,
A little way away from everywhere.

There is a thing in me still dreams of trees.
But let it go. Homesick for moderation,
Half the world's artists shrink or fall away.
If any find solution, let him tell it.
Meanwhile I bend my heart toward lamentation
Where, as the times implore our true involvement,
The blades of every crisis point the way.

I would it were not so, but so it is.
Who ever made music of a mild day? (Oliver, 2007 : 247)

این دو شاعر، در سفر مداوم درونی خود از وقایع اجتماعی عصر خود و از هیاهوی دنیای ناآرام اطراف فاصله گرفتند. همین مسئله سبب شده تا تحولات سیاسی و اجتماعی دوران، در شعرهای این دو شاعر، به شکل معمول و مورد انتظار بازتاب نیابد. خشونت در شعر سپهری و اولیور معنایی ندارد و هر دو با بهره‌گیری از طبیعت‌گرایی خود، مخالفتشان را با درگیری‌ها و ناآرامی‌های دنیا بیان می‌کنند.

نگاه مشترک به زندگی

سهراب سپهری شاعری بود که دل، زبان، قلب و اندیشه‌اش سرشار از مهر و محبت و عشق به انسان‌ها بود. او اعتقاد داشت که انسان‌ها باید در راه عشق و اشراق قدم بردارند. آن‌ها باید از رمز و رازهای عشق، مهر، محبت و جذبه هستی بهره‌مند شوند. او همه را به عشق عرفانی دعوت می‌کرد تا زیبایی‌های جهان را تجربه کنند (عطاری کرمانی، ۱۳۸۶: ۲)

«هر کجا هستم، باشم / آسمان مال من است. / پنجره، فکر، هوا، عشق، زمین مال من است. / چه اهمیت دارد؟ / گاه اگر می‌رویند / قارچ‌های غربت؟ / من نمی‌دانم / که چرا می‌گویند: اسب حیوان نجیبی است، کبوتر زیباست؟ / و چرا در قفس هیچ‌کسی کرکس نیست؟ / گل شبدر چه کم از لاله قرمز دارد؟ / چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید» (سپهری، ۱۳۸۹: ۲۳۱)

این نگرش به زندگی در اشعار اولیور نیز تجلی می‌یابد:

«مادامی که آفتاب و قطره‌های درخشان باران / سرتاسر قلمرو طبیعت را / از فراز چمنزارها / درختان کهن / کوهساران و رودخانه‌ها / می‌پیمایند / مادامی که غازه‌های وحشی / از آبی زلال آسمان / به خانه برمی‌گردند / هر آن که هستی / و اینکه تا چه اندازه تنهایی / مهم نیست / مهم این است که جهان خود را به تو عرضه می‌کند / تو را به سوی خود فرامی‌خواند»

Meanwhile the sun and the clear pebbles of the rain

are moving across the landscapes

over the prairies and the deep trees,

the mountains and the rivers.

Meanwhile the Wild geese, high in the clean blue air,

are heading home again.

Whoever you are, no matter how lonely (Oliver, 1986: 23)

در شعری دیگری از اولیور، او مخاطب خود را با دنیا و آنچه در آن است (اعم از طبیعت جاندار و بی‌جان) یکی دانسته و او را به سمت عشق‌ورزیدن و محبت به همه چیز حتی ناچیزترین موجوداتی که ممکن اصلاً در مرکز توجه ما نباشند، سوق می‌دهد:

«این سخن را به خاطر بسپار / زمانی که چاره‌ای جز دل به دریا زدن داشتی / میان آب‌های نیلگون که لوله ماهیان نحیف و کوچک زندگانی می‌کنند / به خاطر داشته باش که هر چه سد راحت بود / قلب مهربان و دستان بخشنده‌توست که از جهان و تمام سختی‌هایش عبور می‌کند»

I tell you this

in case you have yet to wade

into the green

and purple shallows

where the diminutive

pipefish, wants to go on living.

I tell you this, against everything you are

your human heart, your hands passing over the world (Oliver, 1992: 52)

این عشق به طبیعت و احساس هم‌ذات‌پنداری شاعر با جهان و هر آنچه در آن است، در جای‌جای شعر سهراب نیز دیده می‌شود:

«من وضو با تپش پنجره‌ها می‌گیرم، در نمازم جریان دارد ماه، جریان دارد طیف / کعبه‌ام بر لب آب / کعبه‌ام زیر افاقی هاست / باغ ما در طرف سایه‌دانایی بود، باغ ما جای گره‌خوردن احساس و گیاه» (سپهری، ۱۳۸۹: ۲۱۸)

نشانه‌شناسی (نماد)

بر اساس بحث کلاسیک بارت^۱ (۱۹۶۴) همه چیزها (ابژه‌ها) در یک فرهنگ، کارکرد نشانه‌ای می‌یابند؛ اما «نشانه» در نشانه‌شناسی فرهنگی با بسیاری از نشانه‌ها متفاوت است، زیرا نشانه‌های فرهنگی پویا هستند. (رجایی، ۱۳۸۲: ۴۱). در واقع نشانه‌ها مستلزم آشنایی با مجموعه‌ای از قراردادها هستند. در عالم هنر و ادبیات، نویسندگان و رمزگان‌هایی را که در ضمیر خود دارد در ساختار فرهنگ ابزاری و در قالب نمادها و نشانه‌ها وارد بافت متن می‌کند و به واسطه این نمادها، قراردادها و معانی ضمنی را به مخاطب انتقال می‌دهد. (زهره‌وند و مسعودی، ۱۳۹۲: ۴)

در اشعار مری اولیور، طبیعت و متعلقاتش، چه جاندار و چه بی‌جان در نقش فاعل ظاهر می‌شوند و می‌توان این را اعتراضی به صنعتی‌شدن شهرها و سرعت این روند که به نابودی اندک‌اندک طبیعت منجر می‌شود، است.

1. Barthes

در دوره‌ای که انسان برای تکامل زندگی خود، زمین و هر آن چه در آن است را مصادره کرده و سرانجام از بین می‌برد، اولیور از روح طبیعت سخن می‌راند، از روح علف، جنگل، دریا و موجودات.

«امروز من پرواز می‌کنم تا فرود/ و حتی سخنی نخواهم گفت/ اجازه می‌دهم تا طلسم بلندپروازی‌ها همه به خوابی عمیق فرو رود/ دنیا همان راهی را ادامه می‌دهد که باید/ زنبورها در باغ می‌چرخند/ ماهی می‌جهد، پشه‌ها بلعیده می‌شوند/ و روز بدین سان ادامه می‌یابد/ من اما امروز را در گوشه‌ای می‌نشینم/ در سکوت همچون یک پر / آرام و بی‌صدا حرکت می‌کنم اگرچه/ واقعاً از جاده زیبایی عبور می‌کنم/ سکوت. یکی از درها/ باز به سوی معبدی است»

Today

Today I'm flying low and I'm

not saying a word

I'm letting all the voodooos of ambition sleep.

The world goes on as it must,

the bees in the garden rumbling a little,

the fish leaping, the gnats getting eaten.

And so forth.

But I'm taking the day off.

Quiet as a feather.

I hardly move though really I'm traveling

a terrific distance.

Stillness. One of the doors

into the temple. (Oliver, 2012:32)

سهراب سپهری نیز در اشعار خود از نماد بسیار استفاده کرده است؛ برای مثال او از سکون بیزار بود شاید به همین علت، نماد کوهستان در برخی از اشعار او، مکانی نمادین را به تصویر می‌کشد؛ البته در برخی از اشعار هم همان معنای مطلق کوهستان را تداعی می‌کند. او ضمن افزودن معانی نو به مفاهیم پیشینیان، نمادهایی جدید را ابداع نموده و در شعر خود به کار برده است، همچون: گل لاله، شب، طوفان، موج، پنجره، سنگ، نگاه، جنگل، نیلوفر آبی، برگ، اندوه، رؤیا، پرنده، روشنی، سیاهی، سیب، مرگ، ترس، صعود، نزول، دود، باد، زمزمه، و...

«نه تو می‌پایی، و نه کوه / میوه این باغ: اندوه، اندوه / گل بترآود غم / تشنه سبویی تو / افتد گل، بویی تو / این پیچک شوق / آبش ده، سیرایش کن / آن کودک ترس، قصه بخوان / خوابش کن / این لاله هوش / از ساقه بچین» (سپهری، ۱۳۸۹: ۱۹۱)

«به‌سان نسیمی از روی خود برخواهم خاست، درها را خواهم گشود، در شب جاویدان خواهم وزید، چشمانت را گشودی: شب در من فرود آمد» (سپهری، ۱۳۸۹: ۱۱۶)

«نگاه مرد مسافر به روی میز افتاد:

چه سیب‌های قشنگی! / حیات نشئه تنهایی است و میزبان پرسید: قشنگ یعنی چه؟ / قشنگ یعنی تعبیر عاشقانه اشکال / و عشق، تنها عشق ترا به گرمی یک سیب می‌کند مأنوس / و عشق، تنها عشق مرا به وسعت اندوه زندگی‌ها برد، / مرا رساند به امکان یک پرنده شدن» (سپهری، ۱۳۸۹: ۲۴۱)

با این تفاسیر، سهراب نه‌تنها در پی سرودن شعر عرفانی، بلکه در تلاش جهت غنی ساختن زبان شعر نو ایران بود و در این مسیر موفق به گشایش افق‌های جدیدی گشت. با توجه به نمونه‌های فوق می‌توان دریافت که توجه به نمادهای طبیعت، از نشانه‌های بارز اشعار این دو شاعر است.

آرایه‌های ادبی مشترک

وجود آرایه‌های ادبی مشترک در شعر هر دو شاعری می‌تواند قابل بررسی و تطبیق باشد، اما از آنجایی که این موضوع در اشعار اولیور و سپهری کاملاً مشهود بود، برآن شدیم تا به بیان تعدادی از این آرایه‌های مشترک بپردازیم، بنابراین در این بخش به آرایه‌های مشترکی که این دو شاعر در اشعار خود به کار برده‌اند، پرداخته می‌شود.

تشخیص

صنعت تشخیص، ویژگی مشترک و قابل تأملی است که در شعر هر دو شاعر مشهود بوده و شعر هر دو پویاتر نموده است. تشخیص یا شخصیت‌پردازی، در تمام زبان‌ها رایج است و همانند تشبیه، یکی از ارکان سبکی شعر است. در شعر سپهری، نمونه‌های بسیاری از صنعت تشخیص وجود دارد و می‌توان گفت، در شعر او بیش از شعر دیگر شاعران هم عصرش، شاهد استفاده این صنعت شعری هستیم:

«من نمازم را وقتی می‌خوانم : که اذانش را باد، گفته / سر گلدسته سرو / من نمازم را پی «تکبیره الاحرام» علف می‌خوانم / پی قد قامت موج.» (سپهری، ۱۳۸۹: ۲۱۸)

«مرگ مسئول قشنگی پر شاپرک است. / مرگ گاهی ریحان می‌چیند. / مرگ گاهی ودا می‌نوشد. / گاه در سایه نشسته است به ما می‌نگرد. / و همه می‌دانیم. / ریه‌های لذت، پر اکسیژن مرگ است. / در بندیم به روی سخن زنده تقدیر که از پشت چپره‌های / صدا می‌شنویم. / پرده را برداریم: / بگذاریم که احساس هوایی بخورد. / بگذاریم بلوغ، زیر هر بوته که می‌خواهد بیتوته کند. / بگذاریم غریزه پی بازی

برود. / کفش‌ها را بکند، و به دنبال فصول از سر گل‌ها بپرد. / بگذاریم که تنهایی آواز بخواند. / چیز بنویسد. / به خیابان برو» (سپهری، ۱۳۸۹: ۲۳۴)

از این دست نمونه‌ها که حاصل نگاه خاص و جان‌بخش شاعر به طبیعت است، در اشعار مری اولیور نیز قابل مشاهده است:

«مادامی که آفتاب و قطره‌های درخشان باران / سرتاسر قلمرو طبیعت را / از فراز چمنزارها / درختان کهن / کوهساران و رودخانه‌ها / می‌پیمایند...»

Meanwhile the world goes on.

Meanwhile the sun and the clear pebbles of the rain

are moving across the landscapes

over the prairies and the deep trees. (Oliver, 1936: 23)

«صبح‌ها به سوی ساحل روانه می‌شوم / و امواج دریا در آن ساعت از روز / به سوی ساحل می‌آیند یا دور می‌شوند / و من با خود می‌گویم آه، شوربختانه / من از دنیا چه می‌خواهم / چه باید بکنم؟ و دریا / با صدای زیبایش به من می‌گوید: / از تو عذر می‌خوام، من باید به کارهایم برسم.»

I go down to the shore in the morning

and depending on the hour the waves

are rolling in or moving out,

and I say, oh, I am miserable,

what shall—

what should I do? And the sea says

in its lovely voice:

Excuse me, I have work to do. (Oliver, 2007: 57)

تشبیه

تشبیه از جمله آرایه‌های بسیار پرکاربرد در شعر است که در اشعار مری اولیور و سهراب سپهری نیز به‌وفور دیده می‌شود. این دو شاعر به سبب توصیف دقیق طبیعت، از این آرایه بسیار بهره برده‌اند. مشابه به از جمله عناصری است که نشان‌دهنده خلاقیت شاعر است، زیرا علاوه بر تشبیه، اساس استعاره را نیز تشکیل می‌دهد. البته بیشتر تشبیهات در اشعار سهراب، تشبیهات حسی‌اند. سهراب در جایی، جوانی را به پربروزه‌های فکر مانند کرده است که انگاره‌ای نامتعارف در تشبیه محسوب می‌شود.

«یک نفر آمد، مثل پریروزهای فکر جوان بود» (سپهری، ۱۳۸۹: ۳۱۵)
 در تشبیه دیگری بالا آمدن ماه را به «اندوه تفهیم» مانند کرده است:
 «ماه رنگ تفسیر مس بود، مثل اندوه تفهیم بالا می‌آمد» (سپهری، ۱۳۸۹: ۳۴۷)
 استفاده هنرمندانه سهراب از تشبیه را در جای جای اشعارش شاهدیم، مثالی دیگر در «گل کاشی»:
 «نگاهم به تاروپود سیاه»

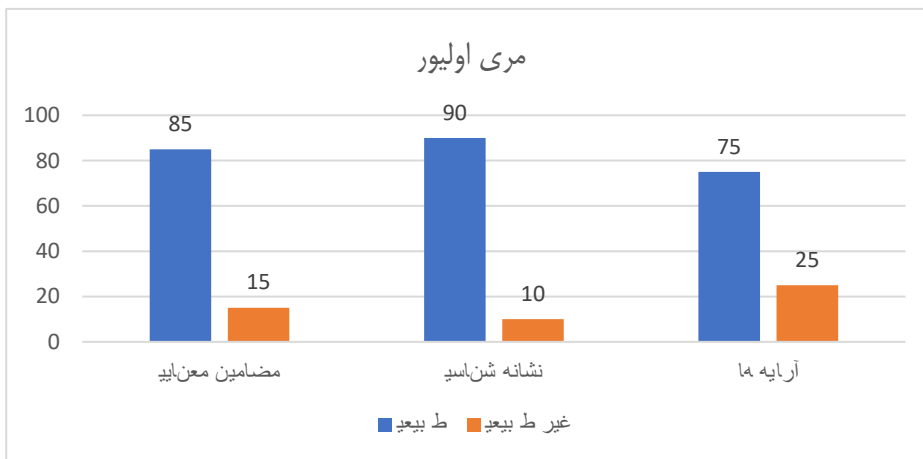
در شعر مری اولیور نیز تشبیه به‌کرات استفاده شده است:
 «من حواسیلی دیدم، آرام و زیبا به‌مثابه گلبرگی که باوقار تمام در دل مرداب خفته است / گویی بر آبگینه‌ای ظریف در آب آرمیده و تالالو تصویر لغزان و بی‌رمق ابرهای سپید را منعکس می‌کند»

I saw the heron
 poise
 like a branch of white petals,
 in the mud that lies
 like a glaze,
 in the water
 that swirls its pale panels of reflected clouds. (Oliver, 1992 : 20)

بحث و تحلیل

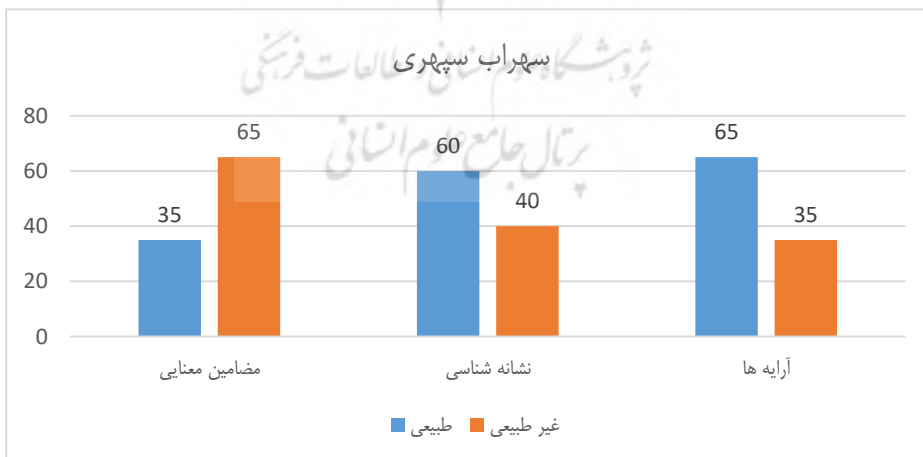
در ادامه تحلیلی کلی از مؤلفه‌های پژوهش حاضر ارائه شده است. این تحلیل در قالب نمودار نمایش داده می‌شود تا مشخص گردد اولاً این دو شاعر چه درصدی از اشعار خود را به زمینه طبیعت-گرایی اختصاص داده‌اند و ثانیاً مقایسه‌ای بین این دو شاعر در قالب نمودار صورت گیرد تا آشکار شود که با وجود فاصله جغرافیایی چند درصد شباهت بین این دو شاعر وجود دارد. شایان ذکر است که در تحلیل داده‌ها در بخش بسامد، صورت شعر نادیده گرفته شده است؛ چرا که تنها شباهت‌های صوری در آن بخش مورد بررسی قرار گرفته است.

در جدول زیر، توجه مری اولیور به طبیعت‌گرایی در سه بخش آرایه‌ها، نشانه‌شناسی و مضامین معنایی بررسی شده است. با نگاه کردن به جدول می‌توان دریافت که در هر سه حوزه، طبیعت‌گرایی درصد بالایی را به خود اختصاص داده است.



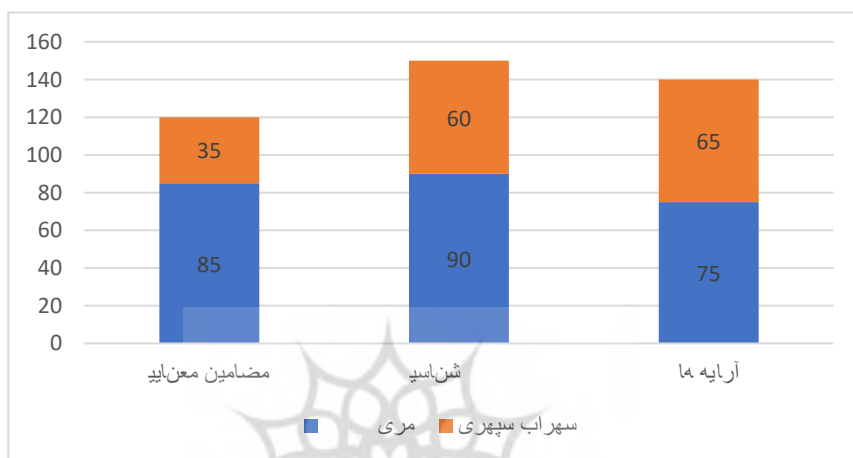
شکل ۱. طبیعت‌گرایی در اشعار مری اولیور

در نمودار زیر، طبیعت‌گرایی در اشعار سهراب سپهری مورد مطالعه قرار گرفته است. همان‌طور که از نمودار پیداست، در بخش آرایه‌ها و نشانه‌شناسی، درصد بالایی از اشعار سهراب سپهری به طبیعت اختصاص دارد و این مقدار در مضامین معنایی با اندکی کاهش روبرو است. نگارندگان بر این باورند که توجه بیشتر سهراب به انسانیت و وجود انسانی دلیل این کاهش در مضامین معنایی باشد و می‌توان این موضوع را در مطالعه‌ای دیگر بررسی کرد.



شکل ۲. طبیعت‌گرایی در اشعار سهراب سپهری

پس از بررسی طبیعت‌گرایی در اشعار این دو شاعر، حال مقایسه‌ای از نتایج به دست آمده در قالب نمودار زیر ارائه می‌شود. با توجه به نمودار زیر واضح است که توجه به طبیعت‌گرایی در آثار هر دو شاعر از اهمیت بالایی برخوردار است و تنها در مضامین معنایی اولیور توجه بیشتری را نسبت به سپهری به خود اختصاص داده است.



شکل ۳. مقایسه طبیعت‌گرایی در اشعار سهراب سپهری و مری اولیور

نتیجه‌گیری

این پژوهش نخستین پژوهشی است که اشعار سهراب سپهری و مری اولیور با رویکردی تطبیقی بررسی کرده است. آثار سهراب سپهری و مری اولیور از منظر صورت، مضامین معنایی، نشانه‌شناسی و آرایه‌ها دارای اشتراکاتی است که در پژوهش به آن پرداخته شد. به‌طورکلی، می‌توان چنین بیان نمود که پویایی، شهرگرایی و طبیعت‌گرایی وجوه مهم اشعار سپهری و اولیور محسوب می‌شوند که تحت‌تأثیر فرهنگ، جامعه، و عصری است که هر یک در آن زیسته‌اند؛ اما نکته برجسته در آثار این دو شاعر بزرگ توجه ویژه به طبیعت در بطن اشتراکات است. هر دو شاعر در تلاش برای ساخت دنیایی در ژرفای طبیعت هستند و از این روست که از جامعه، سیاست و دنیای مدرن فاصله می‌گیرند و سادگی و آرامش طبیعت به دور از هیاهو را می‌ستایند. از این رو، شهرگرایی و گرایش به طبیعت در شعر هر دو شاعر از عناصر کلیدی محسوب شده و با بهره‌گیری از مضامین صوری، ساده و نمادین و صحبت از طبیعت و آن چه در آن است، به این هدف خود دست یافته‌اند. تکامل وجودی و به نوعی رسیدن به خودآگاهی و شناخت فردی در شعر هر دو شاعر مذکور، به چشم می‌خورد که همین امر سبب به وجود آمدن نوعی حس دلسوزی و عشق و علاقه به طبیعت، در آثار

این شعرای توانا و بزرگ شده است. آنچه ذهن و زبان این دو شاعر را به هم شبیه می‌کند، تجربه‌های زیستی آن دو است و شاید بتوان، عنصر طبیعت‌گرایی و توجه ویژه به طبیعت را از دلایل محبوبیت شعرشان در جامعه‌ای که در آن می‌زیسته‌اند نیز دانست. در اشعار مری اولیور و سهراب سپهری با وجود تفاوت‌های فرهنگی و زیستن در دو جغرافیای متفاوت، مضامین معنایی و اندیشه‌های مشترک بسیاری دیده می‌شود، با توجه به بررسی انجام شده مهم‌ترین دلایل این شباهت، شهرگریزی و دوری جستن از هیاهوی زندگی شهری و مدرن است که شباهت‌های صورت شعر، آرایه‌های ادبی، مضامین معنایی و نشانه‌شناسی این دو شاعر یکدیگر نزدیک کرده است. در بخش مضامین معنایی، اولیور از سپهری پیشی گرفته است، اما در مؤلفه‌های دیگر، این دو شاعر اندیشه‌ی مشابهی را در حوزه طبیعت‌گرایی نشان می‌دهند.

منابع

- اسماعیلی، فاطمه‌زهرآ. (۱۳۹۹). *نور و ظلمت در اندیشه سهراب سپهری و نیما یوشیج*. تهران: سپهر حکمت.
- اکبری بیرق، حسن. (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی شعر و اندیشه فروغ فرخزاد و سیلویا پلات»، نشریه زبان و ادبیات دانشگاه تبریز. ۵۲ (۲۱۱)، صص ۱۹-۴۴.
- امامی، کریم. (۱۳۶۵). «از آواز شقایق تا فراترها: نگاهی به شعر و نقاشی سهراب سپهری»، ایران‌نامه، شماره ۱۸، صص ۳۲۶-۳۴۶.
- بابالو، ونوس. (۱۳۹۹). *اندیشه مرگ از دیدگاه سهراب سپهری*. تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی تألیفی ارشدان.
- بارت، رولان. (۱۹۶۵). *مبانی نشانه‌شناسی*. ترجمه صادق رشیدی و فرزانه دوستی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- بزرگزاده، المیرا، دشت‌پیما، ناصر، اسمعیلی کردلر، دکتر مقصود. (۱۴۰۰). «صدای انسان به صدای غیرانسان تبدیل می‌شود: پروژه سبز مری اولیور». *زبان‌شناسی کاربردی و ادبیات کاربردی: پوشش‌ها و پیشرفت‌ها*، (۲)۹، صص ۲۵۱-۲۶۷.
- بزرگزاده، المیرا، دشت‌پیما، ناصر، و اسمعیلی کردلر، مقصود. (۱۴۰۱). «تخیل شاعرانه در ارتباط با طبیعت: بررسی موردی اشعار منتخب مری البور». *افق‌های زبان*، ۶ (۲) (۱۲)، ۳۱-۴۷.
- بهرامی، طاهره. (۱۴۰۱). *چکه‌های وقت: گزیده اشعار هشت کتاب سهراب سپهری همراه با ترجمه فرانسه*. قم: عطف.
- پهلوی، زهرآ. (۱۴۰۰). *گلخانه فکر (تصویرسازی از طبیعت را از دیدگاه سهراب سپهری و منوچهری دامغانی)*. تهران: تیرگان.
- پارساپور، زهرآ و فتوحی، فرناز. (۱۳۹۲). «تأثیرپذیری سهراب سپهری از عرفان شرق در حوزه اخلاق زیست‌محیطی». *ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*. ۳ (۴)، صص ۱۹-۳۷.

حیدریان شهری، احمدرضا. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی «شهرگزیزی» و «بدوی‌گرایی» در شعر سهراب سپهری و عبدالمعطی حجازی». زبان و ادبیات عربی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد)، ۴(۱۶۷/۲/۶)، صص ۶۲-۳۹.

خسروی، شهناز. (۱۳۹۱). خواب در جنگل: گزیده اشعار مری اولیور. تهران: شاپور خواست. رجایی، فرهنگ. (۱۳۸۲). پدیده جهانی شدن، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: نشر آگه.

رهنما، فریدون. (۱۳۳۹). «تاریک و روشن سهراب سپهری»، نشریه نقش‌ونگار، شماره ۷. زهره وند، سعید و مسعودی، مرضیه. (۱۳۹۲). «نگاهی اجمالی به شعر سهراب سپهری از دیدگاه نشانه‌های فرهنگی»، هشتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، زنجان. سپهری، سهراب. (۱۳۸۹). مجموعه سروده‌ها، تهران: انتشارات شادان. چاپ دوم.

شایگان، داریوش. (۱۳۹۸). واحه‌ای در لحظه (برگردان اشعار سهراب سپهری به زبان فرانسه). تهران: نشر فروزان روز.

شرکت مقدم، صدیقه. (۱۳۸۸). مکتب‌های ادبیات تطبیقی. فصلنامه‌ی مطالعات ادبیات تطبیقی؛ دوره ۳، شماره ۱۲. صص ۷۱-۵۱.

شمیسا، سیروس. (۱۴۰۱). نگاهی به سپهری. تهران: مروارید.

طاهری، فائزه، و طهماسبی، فرهاد. (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی اشعار سهراب سپهری و سن ژون پرس با نگاهی به عرفان شرق دور». ادبیات تطبیقی (ادب و زبان نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان)، ۹(۱۶)، ۸۷-۱۰۰.

عابدی، کامیار. (۱۳۹۳). از مصاحبت آفتاب: زندگی و شعر سهراب سپهری. تهران: ثالث.

عطاری کرمانی، عباس. ۱۳۸۶. دیوان کامل و جامع هدیه سهراب سپهری. چاپ اول، تهران: آسیم.

فیض‌اللهی، زینب. (۱۳۹۴). جلوه‌های جهان‌وطنی در شعر معاصر (با تکیه بر اشعار نیما، شاملو، طاهره صفارزاده، اخوان ثالث، فریدون مشیری، سهراب سپهری، شمس لنگرودی، فروغ فرخزاد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه لرستان.

قائمی، پروین. (۱۳۸۵). چه کسی بود صدا زد سهراب، تهران، گوهر منظوم، چاپ سوم.

کبری بیرق، حسن و سنایی، نرگس. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی شعر و اندیشه‌ی تی. اس. الیوت و احمد شاملو بر اساس مؤلفه‌های مدرنیته». فصلنامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی دانشگاه کرمان. ۳ (۴)، صص ۴۳-۶۶.

لطفی، معصومه. (۱۳۹۹). جهان وطنی در شعر معاصر فارسی (شاملو، فروغ و سهراب). تهران: انتشارات سنجش و دانش.

مالمیر، محمدابراهیم، صمدی، سیده معصومه، و وفاپور، حامد. (۱۳۹۳). ادبیات تطبیقی و مطالعات میان‌رشته‌ای (مطالعه موردی: بررسی تطبیقی استعاره‌های مشترک سهراب سپهری و تی. اس. الیوت). همایش ملی ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی.

مروتی، محمدمبین. (۱۳۹۹). نگاهی نو به ذهن و زبان سهراب سپهری. تهران: ربیدان.

- مسکوب، شاهرخ. (۱۳۸۷). **خواب و خاموشی**. قم: مؤسسه فرهنگی اطلاع‌رسانی تبیان.
- مظفری معارف، نگار. (۱۳۹۹). **تفسیر اشعار سهراب سپهری (ما هیچ ما نگاه)**. تهران: جالیز.
- نجفی پور، الهه و سعادت‌فرد، سارا. (۱۳۹۹). **اندیشه‌های سهراب سپهری و نقاشی‌هایش**. کرج: دانش بهمن.
- هاشمیان، لیلا و بهرامی پور، نوشین. (۱۳۸۸). «مقایسه داستان رستم و اسفندیار با نمایش‌نامه مکبث از منظر سیر روایت، رخدادهای و شخصیت‌ها». فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی. ۳(۱۲). صص ۱۶۳-۱۷۵.
- هاشمیان، لیلا و اتونی، بهزاد. (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی داستان «زیباترین کتاب دنیا» اثر اریک امانوئل اشمیت و دیدگاه‌های مولانا در مثنوی معنوی» (عنوان عربی: دراسة مقارنة بین رواية «أجمل کتاب فی العالم» لاریک ایمانوئیل شمیت وآراء مولانا فی مثنوی). ادبیات تطبیقی جیرفت، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۲۷۳-۲۸۷.
- Abedi, Kamiar. (2013). **From the interview with the sun: the life and poetry of Sohrab Sepehri**. Tehran: Third.
- Akbari Beirag, Hassan. (2009). "Comparative study of poetry and thought of Forough Farrokhzad and Sylvia Plath", **Journal of Language and Literature of Tabriz University**. 52 (211), pp. 19-44.
- Attari Kermani, AbbasA. (2016). **The complete and comprehensive divan of Sohrab Sepehri's gift**. First edition, Tehran: Asim.
- Babalu, Venus. (2019). **The idea of death from Sohrab Sepehri's point of view**. Tehran: Publications of Arshadan Educational Institute.
- Bahrami, Tahereh. (2022). **Drops of time: a selection of poems from eight books by Sohrab Sepehari with French translation**. Qom: Ataf.
- Barthes, R. (1964). **Éléments de sémiologie**. Translated by Sadegh Rashidi and Farzaneh Doosti, Communications, 4(1), 91-135.
- Barthes, R. (1964). **Éléments de sémiologie**. Translated by Sadegh Rashidi and Farzaneh Doosti, Communications, 4(1), 91-135.
- Bazrgarzadeh, Elmira, Dasht Pima, Dr. Nasser, Esmaili Kardler. Maqsood. (2021). "Human Voice Becomes Non-Human Voice: Mary Oliver's Green Project". **Applied Linguistics and Applied Literature: Surveys and Advances**, 9(2), pp. 251-267.
- Bazrgarzadeh, Elmira, Dasht Pima, Nasser, and Esmaili Kardler, Maqsood. (2022). "Poetic Imagination in Relation to Nature: A Case Study of Selected Poems of Mary Oliver". **Language Horizons**, 6(2 (12)), 31-47.
- Bohlouli, Zahra. (2021). **The greenhouse of thought (Illustration of nature from the point of view of Sohrab Sepehri and Manochehri Damghani)**. Tehran: Tigran.
- Davis, Todd.(2009). **The Earth as God's Body: Incarnation as Communion in the Poetry of Mary Oliver**. Vol. 58, No. 4, SPECIAL ISSUE: Christianity And Contemporary Poetry (Summer 2009), pp. 605-624 (20 pages).
- Davis, Todd.(2009). **The Earth as God's Body: Incarnation as Communion in the Poetry of Mary Oliver**. Vol. 58, No. 4, SPECIAL ISSUE: Christianity And Contemporary Poetry (Summer 2009), pp. 605-624 (20 pages).
- Eggemeier, Matthew T. (2014). **Ecology and Vision: Contemplation as Environmental Practice**. Vol. 18, No. 1 (2014), pp. 54-76 (23 pages).

- Eggemeier, Matthew T. (2014). **Ecology and Vision: Contemplation as Environmental Practice**. Vol. 18, No. 1 (2014), pp. 54-76 (23 pages).
- Emami, Karim. (1986). "From the song of the seagull to the beyond: a look at the poetry and painting of Sohrab Sepehri", **Irannamēh**, number 18, pp. 326-346.
- Esmaili, Fateme-Zahra. (2019). **Light and darkness in the thought of Sohrab Sepehri and Nimayoshij**. Tehran: Sepehr Hekmat.
- Faiz Elali, Zainab. (2014). **Global manifestations in contemporary poetry (based on the poems of Nima, Shamlou, Tahereh Safarzadeh, Akhwan Tahal, Fereydon Moshiri, Sohrab Sepehri, Shams Langroudi, Forough Farrokhzad)**, master's thesis, Lorestan University.
- Ghaemi, Parveen. (2006) Who was calling Sohrab, Tehran, **Gohar Manzum**, 3rd edition.
- Hashemian, L., & Bahramipour, N. (2009). A Comparison of the Sequence of Events, Narration and Characters in the Story of "Rostam & Esfandiar" with the Play "Macbeth". *Comparative Literature Studies*, 3(12), 163-175.
- Hashemian, L., & Otunie, B. (2009). A comparative study of "The Most Beautiful Book in the World" by Eric-Emmanuel Schmitt and Molavi's points in Mathnavi. *Comparative Literature Studies*, 3(10), 273-287.
- Heydarian Shahri, Ahmadreza. (2011). "Comparative study of "emigration" and "primitiveness" in the poetry of Sohrab Sepehari and Abdul Moati Hijazi". **Arabic Language and Literature (Magazine of Mashhad Faculty of Literature and Humanities)**, 4(6/2/167), pp. 39-62.
- Khosravi, Shahnaz. (2011). **Sleeping in the Woods: A Selection of Mary Oliver's Poems**. Tehran: Shapour asked.
- Kobri Biraq, Hassan and Sanai, Narges. (2011). "Comparative study of poetry and thought of T. S. Eliot and Ahmad Shamlou based on the components of modernity". **Quarterly journal of comparative literature research of Kerman University**. 3 (4), pp. 43-66.
- Lotfi, Masoumeh. (2019). **Jahan and Wazani in contemporary Persian poetry (Shamlou, Forough and Sohrab)**. Tehran: Sanseh and Danesh Publications.
- Macdonald, N. (2010). **Flourishing as Productive Paradox in Mary Oliver's Poetry**, A thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy University of Otago New Zealand.
- Macdonald, N. (2010). **Flourishing as Productive Paradox in Mary Oliver's Poetry**, A thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy University of Otago New Zealand.
- Malmir, Mohammad Ibrahim, Samadi, Sayeda Masoumeh, and Vafapour, Hamed. (2013). Comparative literature and interdisciplinary studies (case study: comparative study of common metaphors of Sohrab Sepehri and TS Eliot). **National Conference of Comparative Literature of Razi University**.
- McNew, Janet. (1989). **Mary Oliver and the Tradition of Romantic Nature Poetry**. *Contemporary Literature*, Vol. 30, No. 1 (Spring, 1989), pp. 59-77 (19 pages)

- McNew, Janet. (1989). **Mary Oliver and the Tradition of Romantic Nature Poetry. Contemporary Literature, Vol. 30, No. 1 (Spring, 1989), pp. 59-77 (19 pages)**
- Moroatti, Mohammad Amin. (2019). **A new look at the mind and language of Sohrab Sepehri**. Tehran: Rabidan.
- Mozafari Ma'arif, Negar. (2019). **Commentary on the poems of Sohrab Sepehri (we have no look)**. Tehran: Jaliz.
- Msskob, Shahrukh. (2008). **Sleep and silence**. Qom: Tebian Cultural and Information Institute.
- Najafipour, Elahe and Saadat Fard, Sara. (2019). **Sohrab Sepehri's thoughts and his paintings**. Karaj: Danesh Bahman.
- Nargiza, Sh. (2019). "Literary Expression of Human and Mystical Perfection in Sohrab Sepehri's Poetry." **International Journal of Innovative Technologies in Social Science** 7 (19) (2019): 11-20.
- Oliver, M. (1992). **House of light**. Boston: Beacon.
- Oliver, M. (1992). **House of light**. Boston: Beacon.
- Oliver, M. (2001). **The Leaf and the Cloud: A Poem Paperback**. Boston: Da Capo Press.
- Oliver, M. (2001). **The Leaf and the Cloud: A Poem Paperback**. Boston: Da Capo Press.
- Oliver, M. (2007). **New and selected poems, Volume one**. Boston: Beacon.
- Oliver, M. (2007). **New and selected poems, Volume one**. Boston: Beacon.
- Oliver, M. (1986). **Dream work**, Washington, D.C: The Atlantic monthly press.
- Oliver, M. (1986). **Dream work**, Washington, D.C: The Atlantic monthly press.
- Oliver, M. (2012). **A thousand mornings**. New York : Penguin Press.
- Oliver, M. (2012). **A thousand mornings**. New York : Penguin Press.
- Parsapour, Zahra and Fatuhi, Farnaz. (2012). "The influence of Sohrab Sepehri from Eastern mysticism in the field of environmental ethics". **Contemporary Persian Literature, Research Institute of Humanities and Cultural Studies**. 3 (4). pp. 19-37.
- Rahnama, Fereydoun. (1960). "Dark and bright Sohrab Sepehri", **Naqsh and Negar magazine**, number 7.
- Rajaei, Farhan. (2003). **The phenomenon of globalization, human condition and information civilization**, translated by Abdul Hossein Azarang, Tehran: Age Publishing.
- Sepehri, Sohrab. (2010). **Collection of poems**, Tehran: Shadan Publications. second edition.
- Shamisa, Cyrus. (2022). **A look at Sepehri**. Tehran: Pearl.
- Shaygan, Dariush. (2018). **An oasis in the moment (translation of Sohrab Sepehri's poems in French)**. Tehran: Forozan Rooz Publishing.
- Taheri, Faeze, and Tahmasabi, Farhad. (2016). "Comparative analysis of the poems of Sohrab Sepehri and Saint John Press with a look at the mysticism of the Far East".

Comparative Literature (Literature and Language of Kerman Faculty of Literature and Human Sciences), 9(16), 87-100.

Zahrawand, S and Masoudi, Ma. (2012). "An overview of Sohrab Sepehri's poetry from the point of view of cultural signs", **8th international conference of Iranian Persian Language and Literature Promotion Association**, Zanjan.

Zona, K. H. (2011). An attitude of noticing: Mary Oliver's ecological ethic.- **Interdisciplinary Studies in Literature & Environment**, Vol 18, No 1, Pp 123-142.

Zona, K. H. (2011). An attitude of noticing: Mary Oliver's ecological ethic.- **Interdisciplinary Studies in Literature & Environment**, Vol 18, No 1, Pp 123-142.

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: سعیدی فاطمه، هاشمیان لیلا، بررسی تطبیقی اشعار سهراب سپهری و مری اولیور از منظر طبیعت‌گرایی، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۷۲، زمستان ۱۴۰۳، صفحات ۲۴۲-۲۱۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی